

بالماسکه آشفته

داروخانه‌ها از فروش ماسک منع شده‌اند اما هنوز روش توزیع ماسک مشخص نیست

	
<div>میثم اسماعیلی</div>	<div>«صف طولانی</div>
<div>جامعه</div>	<div>روبه‌روی داروخانه‌ها برای خرید ماسکی‌که نیست، این تصویر آشنای این روزهای</div>

مردمی است که از هراس ویروس ناشناخته چینی پناه برده‌اند به داروخانه‌های کشور. ماسک حالا محصول اول در زنجیره تامین است، میزان تقاضای بالا و توزیع نامناسب آن باعث شده با وجود همه اظهارنظرها در رابطه با کم تاثیر بودن ماسک در چرخه این بیماری مردم همچنان خواهان این محصول باشند. با همه این اوصاف وزارت بهداشت تصمیم گرفته است ارائه ماسک از طریق داروخانه‌ها را ممنوع کند و آن را به صورت رایگان به مردم بدهد. تصمیمی که دیروز مهدی یوسفی، رئیس هیات امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران وزارت بهداشت آن را اعلام کرد و آن‌طور که از حرف‌های او مشخص است، این تصمیم برای جلوگیری از سوءاستفاده از مردم گرفته شده‌است.

افزایش قیمت ماسک تا حتی ۳۰ برابر قیمت واقعی در چند روز گذشته باعث شده است اداره کل تجهیزات پزشکی تا اطلاع ثانوی با دستور وزیر بهداشت تنها مرجع خرید ماسک در کشور باشد. مهدی یوسفی در مورد روند توزیع این کالا به ایسنا گفته «بر این اساس ما ماسک‌ها را خریداری کرده و به معاونت بهداشتی وزارت بهداشت تحویل می‌دهیم تا آنها را در پایگاه‌های سلامت، خانه‌ها و مراکز بهداشت به خانواده‌ها تحویل دهند. به هر حال در این مراکز برای هر خانواری پرونده مشخص وجود دارد و می‌توان ارائه ماسک را کنترل کرد. آن‌طرقی در حال حاضر ممکن است يك خنوار تعداد زیادی ماسک بخرد که با این اقدام این مساله هم تحت کنترل



قرار می‌گیرد.» یکی از استدلال‌های تصمیم تازه وزارت بهداشت در عرضه اینچنینی ماسک‌ها ارائه آموزش» به مردم است، ساده شده‌اش این‌که مردم برای گرفتن ماسک‌ها به پایگاه‌های سلامت و مراکز بهداشتی مراجعه می‌کنند تا علاوه در دریافت ماسک رایگان آموزش‌هایی در رابطه با مقابله با این ویروس به آنها داده شود. به‌گواه گفته‌های مسئولان وزارت بهداشت قرار داده است در این میان معاونت آموزشی هم يك کپچ آموزش به علاوه ماسک و محلول ضدعفونی‌کننده به خانواده‌ها تحویل دهند و در عین حال درباره میزان مصرف ماسک هم آموزش‌هایی ارائه دهند.

داروخانه‌ها حذف می‌شوند

نکته عجیب در تصمیم تازه وزارت بهداشت حذف ۱۳ هزار داروخانه سراسر کشور از چرخه توزیع رایگان ماسک است. پیش از این گزارش‌های بسیاری در رابطه با گرانفروشی ماسک در داروخانه‌ها منتشر شده بود آنقدر که دبیر انجمن داروسازان ایران به این ماجرا واکنش نشان داد. محمد خلیلی معتقد است گران بودن ماسک به معنای گران فروشی داروخانه‌ها نیست. روایت او از ماجرای گرانفروشی داروخانه اینچنین است؛ «برخی داروخانه‌ها به منظور تامین و در دسترس قرار دادن ماسک‌ها، مجبور به تهیه ماسک از بازار شده بودند و طبیعتا با افزایش قیمتی که در بازار رخ داده، آن را بر اساس قیمت خرید خود فروخته‌اند و موجب ایجاد این تصور شده‌اند که داروخانه گرانفروشی کرده است». تصمیم وزارت بهداشت، اما در حذف داروخانه‌ها از چرخه توزیع جدی‌تر از آن است که گایه‌های دبیر انجمن داروسازان ایران شنیده شود. این بار سختگوی سازمان تعزیرات حکومتی به آشکاری اعلام کرده است «هرگونه عرضه ماسک توسط داروخانه‌ها، عرضه خارج از شبکه محسوب می‌شود.»

آن‌طور که یاسر رایگانی اعلام کرده با توجه به توزیع رایگان ماسک توسط وزارت بهداشت و ممنوعیت خرید و فروش توسط داروخانه‌ها، هرگونه فروش ماسک پیگیرد قانونی دارد و عرضه خارج از شبکه محسوب می‌شود. این مقام مسؤول در سازمان تعزیرات حکومتی تأکید کرده است بر این اساس، هر موردی به تعزیرات گزارش نشود، به صورت فوری و خارج از نوبت رسیدگی و برخورد می‌شود.



سانسور بحران سیاه

برخی افراد این روزها تصاویر افراد ایستاده در صفی را از کشورهای اروپایی و آمریکایی به اشتراک می‌گذارند و به جامعه خودی تشر می‌زند که هنگام بحران به بزرگ و کوچک رحم نمی‌کنند، به نظر می‌رسد این افراد رفتارهای خارج عرف کشورهای اروپایی و آمریکایی را ندیده‌اند آن هم درشرایط اتفاق‌هایی که خودشان



در روزگاری که ترس

از کرونا خیلی‌ها را تشویق

به دوری از هم‌نوع می‌کند

کم نیستند افرادی مثل

پزشکان، پلیس‌ها

و رانندگان که

برای کمک به دیگران

از زیر بار وظایف‌شان

شانه خالی نمی‌کنند

عکس؛

چاوش هماوندی

جام‌چم

زور کرونا به مهربانی و نועدوستی مردم ایران نرسید

روی کرونا سیاه!



لیلا شوقی

جامعه



از ظهر چهارشنبه هفته گذشته که خبر ورود کرونا به ایران، منتشر شد، شهر رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. انبارهای خیلی از سودجویان پر از ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده شد. خیلی‌ها از آب گل‌آلود ماهی گرفتند و ماسک ده‌هزار تومانی فروختند. آمار ابتلا به ویروس کرونا در کشور هم مانند قیمت‌ها رو به افزایش است. تا لحظه نوشتن این گزارش، ۴۳ نفر مبتلا شده و هشت نفر هم جان خود را از دست داده‌اند. در این آشفته‌بازار اما، کسانی هستند که در گیر و دار گرانی و شیوع ویروس نگاه‌شان محدود به خودشان نیست و رفتارشان مشق نوع‌دوستی و محبت است، مثل دختر جوانی که هوای سالمندان را دارد، مرد میانسالی که به معتادان بی خانمان رسیدگی می‌کند، راننده تاکسی‌ای که مراقب مسافران‌ش است و کارمندی که همکاران نگران‌ش را با خودروی شخصی به محل کار می‌رساند. کسانی که انسان دوستی پیشه کرده و قدمی هرچند کوچک، برای از بین بردن نگرانی‌ها برداشته‌اند؛ کسانی که مشق ایثار می‌کنند.

ضدعفونی قبل از استارت

ایستاده است گوشه خیابان و هر زن و مردی که از کنارش رد می‌شود، می‌پرسد: «میرداماد می‌ری؟» اغلب اما جواب منفی می‌شود. دستکش به دست دارد و يك ماسک هم زده روی صورت استخوانی‌اش. از کرونا که می‌پرسیم، در تاکسی‌ا را باز می‌کند و ظرف ضدعفونی‌کننده‌ای را که روی داشبورد است، نشان می‌دهد. سه دختر جوان، ماسک زده، نشسته‌اند توی پراید سفیدرنگی. می‌گویند: «از روزی که شنیدم ویروس وارد ایران شده، مایع ضدعفونی‌کننده گذاشتم‌ام توی ماشینم.»

او از قانونی می‌گوید که وضع کرده است. از این که هر کدام از مسافرانی که وارد تاکسی می‌شوند، باید دستشان را ضدعفونی کنند: «دستورالعمل درست ضدعفونی کردن را از اینترنت پرینت گرفتم تا مسافرانم، دستانشان را درست ضدعفونی کنند.» راننده تاکسی جوان، راست می‌گوید، يك برگه ۳۰ در ۴۰ سانتی‌متر در کنار ظرف مایع گذاشته است که در آن در ۹ مرحله، روش درست ضدعفونی کردن دست‌ها را نشان می‌دهد. می‌گوید: «در طول روز همه با هم در ارتباطیم، اگر ویروس وجود داشته باشد، با همین مواد ضدعفونی‌کننده از بین می‌رود. کاری که می‌توانیم انجام دهیم، همین پیشگیری است.»

وظیفه‌مان است

اسمش فاطمه است. اولش نمی‌خواهد حرف بزند. «ما‌که کاری نمی‌کنیم، داریم وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم.» کاری که به خاطرش چهار سال، در دانشگاه درس خوانده است. فاطمه در یکی از بیمارستان‌های قم، پرستار است و مانند خیلی از همکارانش، در معرض خطر ابتلا به ویروس. او اما دل‌نگرانی ندارد. نه این که نمی‌ترسد. باصدای خسته می‌گوید: «این چیزها نه برای من و نه برای همکارانم که شبانه‌روز کار می‌کنند، مهم نیست. تنها مهم این است که به وظیفه‌مان خوب عمل کنیم.»

حالا او و همکارانش، جانشان را گذاشته‌اند کف دستشان و خالصانه برای رسیدگی به بیماران کار می‌کنند. با خستگی می‌گویند که دو روز است از بیمارستان خارج نشده و در بیمارستان شیفت است. در بیمارستان اما در هر شیفت ۸ ساعته، دو ساعت استراحت می‌کنند. زیاد نمی‌تواند حرف بزند، در شیفت کاری است و تا زمان استراحت چند ساعتی وقت مانده است. آخرین جمله‌اش این است:

«ان شاء‌الله...! با سربلندی این روزهای سخت را پشت سر می‌گذاریم.»

تك سرنشین نمی‌رانم

می‌پرسیم: توی روزهایی که بنزین سهمیه‌بندی شده است، این کار منطقی است؟ می‌خندد و می‌گوید: «فعلا که به مشکل برنخورده‌ام. تا بعد ببینم که چه می‌شود؟»

مرد جوان کارمند یکی از ادارات دولتی است و بعد از این که خبر شیوع کرونا را شنید، سریع دست به کار شد و تنها کاری که از دستش برمی‌آمد را انجام داد. این روزها با ماشین شخصی‌اش، با همکارانی که مسیر مشترك دارند، قرار می‌گذارد و آنها را به محل کار می‌رساند. او توضیح می‌دهد که بعد از شنیدن اخبار کرونا، بسیاری از همکارانش از تردد با مترو و اتوبوس ترسیدند و همه اینها باعث می‌شود تا او آنها را برساند. خبر این ایثار به برخی از کارمندان اداره هم رسیده و آنها هم دست به کار شدند تا سرویس همکاران شوند و حالا به جز او، دو نفر دیگر از همکارانش هم هفت همکار دیگر را به محل کار می‌رسانند. «این کار، کار عجیب و غریبی نیست، به جای این که خودروها تك سرنشین در جاده‌ها برانند، می‌توانند چند مسافر سوار کنند؛ کسانی که از شلوغی مترو و اتوبوس می‌ترسند. به جز این، احتمال ابتلا به ویروس را هم کاهش داده‌ایم.»



برخی مردم عادی برای ورود به فروشگاه و درگیری پلیس با شهروندانی که در روز جمعه سیاه در فروشگاه‌های زنجیره‌ای آشوب به پا می‌کنند. نمایش این صحنه‌ها البته چندان برای رسانه‌های جهان دلپذیر نیست و خیلی دوست ندارند این تصاویر خشونت‌بار را از مردم ظاهر متمدن دنیا به رخ بکشند.

حالا خودشان به دیگران آموزش

می‌دهند

درست است که ویروس کرونا، کاری با بچه‌ها و جوانان ندارد اما این دلیل نمی‌شود که آنها کارهای پیشگیرانه نکنند و بی‌خیال پیشگیری شوند. بهروز ۲۵ سالی می‌شود که معلم است و در همه این سال‌ها، در مقطع دبستان درس می‌دهد.

بعد از شیوع کرونا، تصمیم گرفت کاری هر چند کوچک انجام دهد. می‌گوید: «همیشه از مادران دانش‌آموزانم می‌شنیدم که می‌گفتند ما هرچه به فرزندانمان آموزش می‌دهیم، توجه نمی‌کنند، اما آنچه که شما به آنها آموزش می‌دهید، بیشتر در ذهنشان می‌ماند.» همین جمله کوتاه، باعث می‌شود که دست به کار شود و بخواهد که به دانش‌آموزانش در فضای مجازی آموزش دهد.

او توضیح می‌دهد: «از زمانی که مدارس تعطیل شده است و من به دانش‌آموزان دسترسی ندارم از اینترنت کمک می‌گیرم و بروشورهایی برای شست‌وشوی دست و ضدعفونی کردن، برایشان می‌فرستم.» بهروز توضیح می‌دهد که همسرش در بیمارستان کار می‌کند و همه بروشورهایی که می‌فرستد، علمی و بهداشتی هستند. این معلم قدیمی، بازخوردهای خوبی از طرف دانش‌آموزانش هم دیده است. این که بسیاری از مادران به او خبر دادند که حالا، دانش‌آموزانش، خود به دیگران یاد می‌دهند که چطور دست‌هایشان را بشویند یا ضدعفونی کنند.

نمی‌شود معتادان را رها کرد

در کوچه پس‌کوچه‌های مولوی، شوش، هرندی، در خیابان انبارگندم تهران و دروازه غار و کوچه اوراچی‌ها آنقدر معتاد بی‌خانمان هست که محله، محله معتادهاست، خیابان‌ها و کوچه‌ها و بن‌بست‌هایی که از این همه زخم بدنام شده‌اند و تکه ناسور بدن تهرانند. در دل این محله‌های پرآسپ، جایی که تازه‌واردها از ادامه راه اکراره دارند و حس ناامنی به جان‌شان می‌افتد عده‌ای هستند که زیر سقف‌هایی نه‌چندان آباد، در خانه‌های قدیمی و عمرکرده محلات جنوبی تهران، سرپناه‌های روزانه و شبانه برای این معتادان فراهم کرده‌اند.

اسم علمی این سقف‌ها شلتر و دی‌آی‌سی است، سرپناه و مراکز گذری کاهش آسپ، جایی که معتادان بی‌خانمان آنجا قوت قلب می‌گیرند، تیمار می‌شوند و عده‌ای غذای گرم می‌خورند و شب‌ها



دمی می‌آسپند تا روز بعد. کلید یکی از این سرپناه‌ها دست مردی به نام عمواکبر است؛ مردی مهربان که معتادان دوستش دارند و به او اعتماد می‌کنند.

عمواکبر با این که ته دلش از ویروس کرونا می‌ترسد و احتمال می‌دهد دمخور شدن با این همه مصرف‌کننده مواد که بدن ضعیف‌شان آماده میزبانی از هر ویروسی است، ممکن است او را نیز مبتلا کند اما می‌گوید نمی‌شود اینها را رهاکرد و در سرپناه را بست. او می‌گوید ته دلش از مبتلا شدن ترس دارد، ولی نمی‌گذارد این ترس بر او غلبه کند، بلکه این ترس برایش انگیزه‌ای برای رعایت بیشتر بهداشت شده است.

او این روزها با ۶۱ مصرف‌کننده بی‌خانمان حشر و نشر دارد و شب‌ها که هوا سردتر می‌شود با ۷ نفر، ولی می‌گوید همه جا را با الکل تمیز می‌کند و شست‌وشوی مرتب دست‌ها را به معتادان نیز توصیه می‌کند و کوچک‌ترین علامتی که در یکی از آنها ببیند برای بررسی بیشتر پیش پزشکان بدون مرز می‌فرستد.

عمواکبر از آن ایثارگران گمنام شهر ماست، آدمی بی‌چشم‌داشت و داوطلب؛ دست‌میزداد عموجان.

مراجعاتی که بیشتر هم شده‌اند

ویروس کرونا که پایش را گذاشت توی کشور و چند تا شهر را هم درگیر کرد، همه ترس برشان داشت. اضطراب و ترس ناشی از این ویروس این قدر زیاد بود که خیلی‌ها حتی خود را در خانه حبس کردند. این ترس اما با شنیدن شایعات هر لحظه‌ای و هر ثانیه‌ای که منتشر می‌شود، دلهره را بیشتر هم می‌کند. همین باعث شده است ناصر به‌عنوان روان‌شناس دست به کار شود و به دیگران راهکارهایی برای درمان اضطراب‌شان بدهد. او که خود يك مرکز مشاوره دارد، می‌گوید: «بعد از این که کرونا وارد چین شد، مراجعاتی که با اضطراب ناشی از بیماری به من مراجعه می‌کردند، بیشتر هم شد.» حالا اما شرایط تغییر کرده است و کرونا پایش را در کشورمان گذاشته است. ترس و نگرانی از این که بیماری در کشوری دیگر اپیدمی شود با ترسی که این اپیدمی در شهر خود اتفاق بیفتد، متفاوت است. همین شده است که تعداد مراجعاتی که اضطراب دارند، بیشتر هم شده. از همان زمان هم، این روان‌شناس تصمیم گرفت که به اطرافیان‌ش و در فضای مجازی آموزش‌های مقابله با ترس ابتلا به ویروس کرونا را بدهد. این که از اخبار بد خود را دور کنید و کارهای پیشگیرانه را انجام دهید؛ کارهایی که اتفاقا برای خیلی‌ها هم کمک‌کننده بوده است.

